

مسئولیت کیفری شهروندان در جرایم اخلاقی: رویکردی حکمت محور در فقه و حقوق اسلامی

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 – 1477

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml.ir

سال ۱۴۰۴، سال ششم، شماره ۲۳،
صفحات ۱۱-۱

سیده منیرا حجازی گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز،
ایران seyydeemonira.hejazi@iau.ir

چکیده

نزدیک‌ترین عنوان حقوقی در زمینه‌ی انحرافات اجتماعی که در برخی از موارد بیشتر خانواده و زنان و در برخی از موارد دیگر آبرو و حیثیت و شخصیت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد جرایم علیه اخلاقیات می‌باشد. با توجه به تأثیرپذیری حقوق کیفری ایران از دین اسلام و اداره جامعه بر اساس دین و هم‌چنین اجرای واجب دینی امر به معروف و نهی از منکر در عرصه‌ی اخلاق فردی و اجتماعی دارای آثار و احکام متفاوتی می‌باشد. مسأله‌ی اصلی پژوهش حاضر اینست که مبنای مسئولیت کیفری شهروندان در جامعه اسلامی چیست؟ فرض نویسندگان پژوهش براین است که جوامع اسلامی در حوزه‌ی جرایم اخلاقی که بیشتر توسط شارع تعیین شده‌اند و مجازاتی برای آنها تعیین نشده به علم افراد به احکام توجه دارد به همین خاطر به صرف ارتکاب رفتار دارای مسئولیت می‌باشند. پژوهش حاضر با روش تحلیلی و توصیفی با بهره‌گیری از منابع بر این یافته کلی است که مسئولیت افراد در جرایم اخلاقی بدلیل علم شهروندان به احکام شارع در صورت داشتن آزادی و اختیار آنها است و اینکه ریشه تعیین مسئولیت در حوزه‌ی این جرایم در جوامع اسلامی جلوگیری از بزه دیده شدن افراد می‌باشد.

واژگان کلیدی: اخلاق، حقوق کیفری ایران، اسلام، جرایم اخلاقی

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2025, Sixth year , Issue 23

Pages 1-11

Criminal Responsibility of Citizens for Moral Crimes: A Wisdom-Based Approach in Islamic Jurisprudence and Law

Seyyde monira hejazi

Department of Criminal law and Criminology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran
seyydeemonira.hejazi@iau.ir

Abstract

The closest legal title in the field of social deviations, which in some cases mostly affect the family and women, and in some other cases, the honor, dignity and personality of individuals, is crimes against morality. Considering the influence of the Iranian criminal law on the religion of Islam and the administration of society based on religion, as well as the implementation of the religious obligation of enjoining good and forbidding evil, it has different effects and rulings in the field of individual and social morality. The main issue of the present study is what is the basis of criminal liability of citizens in an Islamic society? The authors of the study assume that Islamic societies pay attention to individuals' knowledge of the rulings in the field of moral crimes, which are mostly determined by the legislator and for which no punishment is determined, and therefore they are responsible for the mere commission of the behavior. The present study, using an analytical and descriptive method and using sources, is based on the general finding that individuals' responsibility for moral crimes is due to citizens' knowledge of the laws of the law if they have freedom and discretion, and that the root of determining responsibility in the field of these crimes in Islamic societies is to prevent individuals from being victimized.

Keywords: Ethics, Iranian Criminal Law, Islam, Moral Crimes

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

پژوهش حاضر سعی کرده است به تجزیه و تحلیل تعریف جرایم اخلاقی و انواع آن و مبنای مسئولیت کیفری و بررسی مبنای مسئولیت افراد در جرایم اخلاقی در جوامع اسلامی بپردازد.

۲. مفهوم جرایم اخلاقی

نزدیک‌ترین عنوان حقوقی در زمینه‌ی انحرافات اجتماعی و هنجارشکنی‌های قانونی که در برخی موارد بیشتر خانواده را تحت تاثیر قرار می‌دهند جرایم علیه خانواده می‌باشد که به معنای اعم آن مشتمل بر جرائم علیه مصالح خانوادگی می‌باشد. جرایم علیه حقوق و تکالیف خانوادگی روابط داخلی افراد خانواده را مورد هتک قرار می‌دهد.

این گروه از جرایم به یک جهت از زیر مجموعه‌های جرایم علیه خانواده می‌باشد، زیرا افزایش این جرایم اگر چه جامعه را آزرده‌خاطر و مسئولان انتظامی و قضایی را ربه جای توجه به امنیت و اموال و نفوس مردم، به مقوله‌ی اعراض و عفت عمومی متوجه می‌نماید، و بطریق اولی خانواده‌ها را در رنج قرار می‌دهد. پیامدهای این گروه از جرایم، اولا سلامت اخلاقی و روانی جوانان جامعه را تهدید می‌کند؛ ثانيا ارتباط مقدس خانوادگی را بین زوجین یا فرزندان و والدین سخت تهدید می‌کند (حسین آبادی، ۱۳۹۳، ص ۹۰).

زیرا خطر فروپاشی خانواده در اثر ارتکاب جرایم علیه عفت عمومی توسط هریک از اعضای خانواده بسیار جدی‌تر از سایر جرایم است. زیرا چه بسا خانواده‌ها چه بسا اعضای خود را به دلیل ارتکاب جرایم مالی، خلاف یا جرایم غیر عمدی جانی و... طرد نکنند ولی در برابر مسائل حیثیتی به احتمال قریب به یقین طرد کنند.

مسئولیت کیفری و مبنای توجیه‌کننده‌ی آن یکی از چالش‌های اصلی حقوق جزا و جرم‌شناسی می‌باشد. اسلام نیز پس از شناخت دقیق موجود انسانی به تحلیل و ترکیب وجودی انسان و عوامل موثر در شکل‌گیری شخصیت او و نشان دادن نقطه ضعف و آسیب‌پذیری او می‌پردازد و راه‌های درمان و پیشگیری از وقوع جرم و ناهنجاری‌ها را از راه‌های گوناگون تربیتی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی و.. دنبال می‌کند.

مبنا و پایه‌ی مسئولیت کیفری در حقوق اسلام را باید در ترکیب خاص وجودی انسان متعادل و تکامل یافته عاقل و بالغ و مختار و آگاه و توانا جست‌وجو کرد. اخلاق نیز به عنوان معیارهای پذیرفته شده‌ی اجتماعی مورد قبول اکثریت جامعه تلقی می‌شود یا مجموعه‌ای از فضایل که در وجود افراد نهادینه شده است.

حقوق کیفری ایران با توجه به رویکرد قانون اساسی در اصل ۴ و ۱۶۷ و جایگاه فقه در این نظام بعلاوه ریشه‌دار بسیاری از رفتارهای ممنوعه از اخلاق و توجه اصول و قوانین حقوق کیفری به اخلاق، برخی از جرایم با توجه بیان شارع و ناروا بودن آنها با اخلاقیات را به ضمانت اجرای کیفری مزین کرده و در محدوده‌ی مسئولیت کیفری افراد درآورده‌اند.

ضرورت پژوهش حاضر بر این است که با توجه به تغییران زمان و مکان و نسبی بودن برخی از رفتارهای اخلاقی در جوامع اسلامی و حکومت‌های اسلامی تعیین مسئولیت کیفری شهروندان در حوزه‌ی جرایم اخلاقی بر چه اساسی است.

۱.۲. انواع جرایم اخلاقی

انواع جرایم اخلاقی را می توان در جرایمی مانند علیه خانواده، روابط نامشروع، بد حجابی، جرایم جنسی، جرایم علیه اخلاق و عفت عمومی، تجاوز به عنف، کودک آزاری جنسی کودکان، جرایم اخلاقی اینترنتی، توهین و...مورد اشاره قرار داد.

۳. مبنای مسئولیت کیفری

۱.۳. مبنای منطقی مسئولیت کیفری

گاهی آداب و رسوم، عرف و فرهنگ یک جامعه ایجاب می کند که انسان کاری را انجام دهد یا ترک نماید که در اصطلاح به آن منطق عرفی می گویند. منظور از منطق در اینجا با علم منطق متفاوت است و منظور همان منطقی است که باعث می شود تا انسان بین خوب و بد و زشت و زیبای عرفی فرق بگذارد؛ به تعبیر آشکارتر آن چیزی است که عقل افراد متوسط جامعه به آن حکم می کند (نوربها، ۱۴۰۱، ص ۱۲۵).

عقل عرفی افراد متوسط جامعه بین آنچه که هست و آنچه که باید باشد فرق می گذارد و نیز همیشه در جوامع به یک صورت عمل نمی کند؛ زیرا ممکن است اعمالی در میان مردم یک سرزمین قبیح و قابل سرزنش باشد، ولی همان افعال در میان قومی دیگر پسندیده و مجاز باشند. علاوه بر اختلاف گفته شده عقل عرفی یک جامعه نیز همیشه به یک صورت نبوده و با تغییر و تحول مذهب، آداب و رسوم، عادات و پیشرفت علم و زندگی اجتماعی متغیر می شود. لذا منظور از منطق عرفی قضاوت عرفی مردم یک سرزمین در برهه خاصی از زمان است (دلغانی، ۱۳۸۲، ص ۱۰۰)

۲.۳. مبنای اخلاقی مسئولیت کیفری

برخلاف عرف یک جامعه که ممکن است یک در یک برهه ای از زمان عملی را قبیح یا پسندیده بشمارد. اخلاق و قواعد اخلاقی در بسیاری از موارد قلمرو وسیع تری داشته و در نزد بیشتر جوامع قابل قبول هستند. و در بیشتر قوانین جزایی سعی بر این هست که تا موازین اخلاقی را رعایت نمایند و اعمالی را که مخالف با اخلاق فردی و اجتماعی هستند را به وصف مجرمانه مزین نمایند. اخلاق سرقت مال غیر، خیانت در امانت، کلاهبرداری و هم چنین قتل و زنا، توهین، هتک حرمت را قبیح و ظلم می داند. هنگامی که این اعمال در قوانین جزایی به عنوان جرم مطرح می گردند، می توان به تاثیر اخلاق به عنوان یکی از نیروهای سازنده ی حقوق و تشکیل دهنده ی مسئولیت جزایی پی برد (همان).

در نگاه عقل اخلاقیات و زشتی و قبح اعمال نه دایمی اند و نه ضروری بلکه عادی و اکثری اند و تابعی از شرایط اجتماعی هستند. لذا برخی از حقوق دانان مکتب اثباتی معتقدند که طرفداران مکتب کلاسیک حقوق جزا در زمینه ی مسئولیت کیفری مبتنی بر اخلاق بسیار افراطی عمل کرده اند و مسئولیت جزایی را تنها مبتنی بر مسئولیت اخلاقی دانسته اند زیرا اینان انسان را موجودی مختار و آزاد می دانند و در نتیجه او را از لحاظ اخلاقی مسئول اعمال خود می پندارند و در نتیجه برای اجرای بهتر عدالت می بایست مسئولیت جزایی مجرمان را بر طبق درجه ی مسئولیت اخلاقی شان مسئول فرض کنیم.

در این زمینه توجه به این امر نیز ضروری به نظر می رسد که نباید چنین پنداشت که هر عمل غیر اخلاقی الزاما دارای وصف مجرمانه هست و باید برای ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفت و بالعکس هر عملی که جرم باشد لزوما ضد اخلاقی نخواهد بود.

۳.۳. مبنای مسئولیت اجتماعی

مسئولیت اجتماعی به عنوان یکی از مبانی مسئولیت کیفری پیشینه‌ای نسبتاً طولانی‌ای را داشته است. بخصوص از زمان ظهور ظهور مکتب تحقیقی که مسئولیت اجتماعی را بطور مستقل و روشن بیان کرد توجهات بیشتری را بخود جلب کرد.

وقتی که فردی در جامعه‌ای با عرف و آداب و رسوم و فرهنگ و ضوابط خاصی زندگی می‌کند باید سعی کند تا ضوابط آن جامعه را رعایت کرده و از مخالفت با قواعد آن خودداری کند. بطور کلی در روابط بین فرد و جامعه، جامعه عهده دار تأمین نظم و امنیت فردی و اجتماعی شهروندان می‌باشد و افراد جامعه نیز در برابر آن موظف به رعایت مقررات و ضوابط حاکم بر آن جامعه هستند. اگر فرد از رعایت این ضوابط سر پیچی نماید، از اجتماع مسئول بوده و جامعه حق دارد او را تعقیب و مجازات نماید و از خود دفاع نماید. لکن برخی از حقوقدانان تحت تاثیر مطالعات جامعه شناسی معتقدند که در مورد واقعیات اجتماعی در غالب موارد نمی‌توان مسئولیت اجتماعی را به صورتی که ذکر شد مورد قبول قرار داد. (صانعی، ۱۳۷۴، ص ۶۶).

بنظر می‌رسد که این حقوقدانان تحت تاثیر مکتب اثباتی به مجبور بودن انسان اعتقاد دارند و ارتکاب جرم را جبری می‌دانند. چرا بر اساس این مکتب انسان تحت تاثیر عوامل روانی و جسمانی و محیطی و فرهنگی و اقتصادی قرار دارد. مکتب تحقیقی اعتقاد بر این دارد که مجرم فاقد مسئولیت اخلاقی هستند. چنین می‌توان پاسخ داد که نمی‌توان تاثیر عوامل جبری و بیرونی را در ارتکاب جرم بی‌تاثیر دانست اما نمی‌توان منکر مسئولیت اخلاقی و آزادی و خصیصه‌ی انتخاب‌گر بودن

انسان شد و در ترکیب همه این عوامل برای انسان امکان انتخاب وجود دارد.

۴.۳. مبنای مسئولیت قانونی

در بیشتر نظام های حقوقی مسئولیت جزایی و اعمال مجازات مبتنی بر فرض قانونی مسئولیت است؛ یعنی قوانین جزایی، کلیه‌ی افراد بالغ و عاقل و مختار را که در شرایط عادی مرتکب جرم می‌شوند را مسئول شناخته و مستحق کیفر می‌داند و قاعده جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست با شرایطی هم در حقوق عرفی و هم در حقوق اسلامی مورد پذیرش قرار گرفته است.

قاعده‌ی مورد بحث باعث تءمین عدالت اجتماعی در جامعه شده و مصالح عموم افراد جامعه را مورد بحث قرار می‌دهد و جلوی هر گونه تعدی و تجاوز به حقوق افراد و جامعه را می‌گیرد. لکن برخی از نویسندگان مخالف قاعده یاد شده هستند و دلیل عمده‌ی آن را عدم امکان تحصیل علم همگان عنوان نموده‌اند. البته قابل ذکر است که اگر اجرای قانون منوط به تحصیل علم عامل باشد، تنها افراد کمی مکلف به رعای قانون هستند و تکلیف از بقیه‌ی افراد ساقط خواهد شد که این خود خلاف عدالت، انصاف و مصالح جامعه می‌باشد. و لذا طبیعی است که هر قاعده کلی دارای استثنائاتی برای افراد خاص در شرایط خاص باشد(همان).

۵.۳. مبنای مسئولیت در حقوق اسلام

نظام کیفری اسلام همانند سایر نظام‌های آن از قبیل نظام حقوقی، قضایی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، تربیتی و... از جهان بینی و آرمان ها و اهداف اسلامی بر پایه‌ی وحی الهی سرچشمه گرفته است. این مبانی و مقاصد می‌تواند مبانی

۴. اخلاق به عنوان منبع حقوق

ارتباط حقوق و اخلاق و نقش اخلاق در تغییر قواعد حقوقی همواره جزء مهمترین دغدغه‌های فلاسفه‌ی حقوق و هم چنین فلاسفه‌ی اخلاق بوده است. حقوق اشاره به هدف و قلمرو و ضمانت اجرای آن را دارد.

منظور از اخلاق در این جدال مجموعه‌ای از قواعد متعارفی است که راهنمای رفتار انسان‌ها در مناسبات با یکدیگر و در روابط با اجتماع آنها است. قواعدی که عمیقا مورد اعتقاد جامعه خاص و قویا مورد حمایت شهروندان است. مثلا عملی مانند لواط به دلیل زشتی و قباح آن و مغایرت با اخلاق مرسوم این جوامع وضع شده‌اند و از دیدگاه جامعه شناسی احترام به این قواعد ضامن حفظ انسجام و یکپارچگی اجتماعی است (اردبیلی، ۱۳۹۹، ص ۸۵).

از اهداف عالی اخلاقیات همانند حقوق تنظیم روابط و تعاملات اجتماعی هست اما بی تردید قلمرو وسیع‌تر قواعد اخلاقی را نمی‌توان تماما به عنوان الزامات قانونی پذیرفت. در حال حاضر در هیچ یک از نظام‌های حقوقی دنیا دایره‌ی رفتارهای اخلاقی با قوانین یکی نیست بعنوان مثال در هیچ یک از قوانینی موضوعه ایران کمک نکردن به مستمندان جرم به حساب نیامده است و از طرف دیگر ضمانت اجرای قواعد اخلاقی در شرع، نه کیفرهای ملموس که اغلب باورهای غیب اندیشانه به عقاب یا پاداش اخروی می‌باشد. با این وجود هیچ متفکری تفکیک کامل بین اخلاق و حقوق را ادعا نکرده است. از همه مهم‌تر همانطور که گفته شد همسو بودن برخی از اهداف حقوق و اخلاق در قالب تنظیم عادلانه‌ی روابط انسانی و برقراری یک زندگی سعادت‌مندانه در دنیا

انسانا شناختی، هستی شناختی، جامعه شناختی و آرمان شناختی مانند آرمان های امنیت و آسایش، آزادی های مشروع، رفاه و عدالت، اخلاق حسنه، عفت عمومیف رشد و تعالی، آموزش، تعلیم و تزکیه و... باشند که تماما بر معارف عقاید اسلامی تکیه دارند و بر پایه‌ی اندیشه‌ی وحیانی استوار هستند و از این سرچشمه سیراب می‌شوند(همان).

در بینش اسلامی مسئولیت، رابطه‌ی مستقیمی با شناخت حکمت و شعور در هستی، آزادی انسان و عدالت در هستی و جامعه دارد. و از دیدگاه مکتب اسلام مسئولیت بنیادها و زمینه‌هایی دارد و در مواردی که مسئولیت اخلاقی وجود نداشته باشد اعمال مسئولیت کیفری نیز توجیهی نخواهد داشت.

همانطور که گفته شد انسان آزاد و دارای اراده و انتخاب در عمل است و این نشان دهنده‌ی وجود عقل در انسان است و وجود ای عنصر مبنای مسئولیت در اسلام است چرا که انسان حس می‌کند، حفظ می‌کند و استنتاج می‌کند و مقایسه می‌کند و بعد انتخاب می‌کند. و اگر از سلامت روان و جسم و اراده برخوردار نباشد توان چنین کاری را نیز نخواهد داشت.

از طرف دیگر در مورد مبنای معرفتی و عقیدتی مسئولیت می‌توان گفت که خداوند با آیات و بینات انسان به قدر و اندازه و ارزش انسان هدف‌داری، نظامندی، زیبایی، زمانبندی و مهلت را با تدبیر، تفکر و تعقل در جهان و جامعه انسانی به انسان می‌دهد و زمینه‌ی معرفتی و عقیدتی را برای انتخاب، عمل، تعهد، التزام و مسئولیت همه جانبه او فراهم می‌آورد، تا جایی که انسان را به عهد، تکلیف و مسئولیت در هستی و جامعه انسانی فرا می‌خواند.

آمده، می باشد، وظیفه‌ی شناسایی رفتارهایی را که به نوبه‌ی خود می‌تواند در آینده به عنوان یک رفتار ارزشی مورد حمایت قرار گیرد نیز بر عهده دارد.

وصف حقوقی یافتن برخی از ارزش‌ها ارتباط نزدیکی با مفاهیم ایدئولوژیک و نظام سیاسی متأثر از آن را دارد. تأثیر پذیری اندیشه‌های سیاسی از آموزه‌های ایدئولوژیک و نفوذ این اندیشه‌ها در جهت‌دهی به تکامل یافته‌ترین وجه خود می‌تواند منجر به حمایت از یک رفتار ارزشی شده تلقی گردد. چراکه در نظام‌های حقوقی متأثر از پیش فرض‌های ایدئولوژیک، در برخی از موارد رفتارها عملکردهای کاملاً شخصی افراد نیز جایگاه ارزشی و دینی پیدا می‌کنند.

با توجه به رسالتی که دین اسلام در جهت سعادت‌مندسازی افراد و رساندن آنها به حیات طیبه بر عهده دارد ورود در حوزه‌ی اخلاقیات چه در حوزه‌ی فردی و چه در حوزه‌ی اجتماعی، اجتناب ناپذیر می‌باشد. لذا هر گونه رفتار از سوی افراد جامعه که نوعی باعث خروج آنان از مسیر سعادت گردد مقابله با آن رسالت تلقی شده و لازم می‌آید که تدابیر منع‌کننده اعم از حقوقی و غیر حقوقی اتخاذ گردد. در این میان با توجه به اینکه در عرصه‌ی اجتماعی، تدابیر حقوقی به ویژه حقوق کیفری با سرعت بیشتری می‌تواند خارج شدگان از راه سعادت را دوباره به مسیر باز گرداند لذا کارگزاران نظام اسلامی استفاده از حقوق کیفری را برای رسیدن به هدف مورد نظر را عملی خیرخواهانه و خدا پسند بر شمردند. درچنین دیدگاهی قانونگذار نیز به عنوان مجری الگو واره‌های متعدد نصیب افراد می‌گردد؛ بدین

باعث تأثر و تاثیرات متقابلی شده است. رعایت قواعد اخلاقی موجب اصلاح نفس انسان شده است و اخلاقیات فرد را برای تشکیل یک جامعه به دور از بی‌نظمی و ظلم تربیت می‌کند و این همان هدفی است که قواعد حقوقی نسبت به آن تدوین می‌شوند(همان).

برخی از دولت‌ها بویژه دولت‌های اسلامی به منظور حفظ اجتماعی پاره‌ای از ارزش‌های دینی را در راستای سعادت‌مندسازی افراد، در ملاحظات جرم‌انگارانه خود، علاوه بر توجه به حریم خصوصی، به دلیل اهمیت ارزش مورد حمایت قرار می‌گیرند. تا جامعه را به سمت سعادت‌مندی سوق دهند. قانونگذاران با چنین مدل‌سازی حقوقی باعث می‌شوند که برخی از رفتارها را که ارتباطی به حقوق کیفری ندارند و مستلزم به کارگیری ابزارهای فرهنگی و غیر حقوقی است از جرم‌انگاری وارد این عرصه بنمایند(محمودی و همکار، ۱۳۹۹، ص ۱۵).

ارزش‌ها با توجه به اهمیتی که نظام سیاسی، اجتماعی و حقوقی برای آنها قائل است از نظر حمایت‌های قانونی در یک ردیف قرار نمی‌گیرند. چرا که وقایع و اعمالی که ممکن است به وسیله‌ی قانون، مجرمانه تلقی شوند، آنهایی هستند که به ارزش‌هایی که جامعه از آنها پیروی می‌کنند بعضی از این ارزش‌ها دارای ویژگی دائمی بودن و همواره وجود داشته‌اند و با وجدان عمومی جامعه نیز گره خورده‌اند مانند قتل، سرقت، تجاوز به عنف ... اما برخی دیگر دارای جنبه‌ی متغییر و احتمالی هستند و در نوسان هستند(همان).

از دیدگاه کارکردی، حقوق کیفری علاوه بر اینکه در مقام حفظ ارزش‌های موجود در جامعه که سابقاً بوجود

اینگونه می‌توان اشاره کرد که در نگاه هستی‌شناختی و آرمان‌شناختی، جهان بینی قرآنی، خلقت و نظام آفرینش، قانونگذاری و حکم، حکومت و قضاوت هر سه بر اساس حق هستند و با این میزان حق مفهوم عدالت کیفری از ابهام و نسبیت فاصله می‌گیرد.

بر طبق نظریه‌ی اخلاق‌گرایی قانونی دولت‌ها می‌توانند و باید رفتارهایی را که بر خلاف اخلاق تلقی می‌شوند با تصویب قانون ممنوع اعلام نمایند. درباره‌ی رفتارهایی که خلاف اخلاق مشترک هستند یا باعث رنج و آسیب به دیگران می‌شوند تردیدی نیست که دارای ضمانت اجرایی و مسئولیت کیفری در برابر انجام آنها باشیم ولی درباره‌ی رفتارهایی که خلاف هنجارهای اخلاقی هستند ولیکن به دیگران نیز آسیبی نمی‌رساند در مواردی نیز توأم با رضایت افراد هستند در مورد اینکه دارای ضمانت اجرا و مسئولیت کیفری باشند تردید وجود دارد (اردبیلی، ۱۳۹۹، ص ۸۰).

اخلاق‌گرایان افراطی مجازات را مکافات عمل تلقی می‌کنند و تحمیل رنج و آزار را به کسی که موجب رنج و آزار دیگران شده است را کاملاً درست و عادلانه می‌دانند و از این رو حمایت از اخلاق را در زمره وظایف حقوق کیفری می‌دانند.

مخالفان اخلاق‌گرایان اینطور بیان می‌دارند که اخلاق‌گرایان اعتقاد به نسبی بودن بسیاری از قواعد اخلاق مشترک و تحول‌پذیری آنها دارند چرا که نظام اخلاقی از یک جامعه به جامعه دیگر بر یک مبنا استوار نیست و از این رو تمایز میان اخلاقیات و غیر اخلاقیات بسیار دشوار هستند به نظر می‌رسد. چرا که برخی از رفتارها مانند خیانت در امانت و کلاهبرداری اخلاقاً بد و زشت و ناروا هستند و برخی دیگر از اخلاقیات مانند

ترتیب، در جرم‌انگاری و ضمانت‌اجراهای اسلامی اخلاق جایگاه بلندی دارد. به همین سبب است که در کشور ما بسیاری از قواعد اخلاقی همسو با غایت کمال‌گرایی دنیوی و اخروی صورت قواعد حقوق کیفری درآمده و برای آن مجازات تعیین شده است (زراعت، ۱۳۹۰، ص ۱۵۰).

۵. بررسی مسئولیت کیفری شهروندان در جرایم اخلاقی در جامعه اسلامی

مسئولیت در حقوق جزا به این معناست که مجرم در برابر عمل مجرمانه خود ملزم به پاسخ و تحمل مجازات در حقوق جزای کنونی و هم‌چنین در حقوق اسلام مسئولیت به همراه مجرمیت و قابلیت اسناد محقق می‌گردد. در نظام کیفری اسلام براساس مبانی انسان‌شناختی خود ضمن پذیرش تأثیر انواع جبرهای درونی و بیرونی در رفتار و افعال مجرمانه انسان، او را در ارتکاب جرم مجبور نمی‌داند و معتقد است که پس از طی مراحل تکاملی تسویه، تعدیل و ترکیب هماهنگ نیروها، استعدادها و شکل‌گیری عنصر تعقل در دوران بلوغ، آدمی به ترکیب کاملی در ساختار وجودی خود دست می‌یابد که او را به وجدان و آزادی و در نتیجه به تکلیف و مسئولیت کیفری می‌رساند.

مکتب اسلام انسان بالغ، عاقل و مختار و توانا را موضوع مسئولیت کیفری قرار می‌دهد البته با توجه به مبنای هستی‌شناختی و آرمان‌شناختی و با اثبات وجود خداوند، شعور، حکمت و هدف در نظام آفرینش و نیز با توجه به ساختن نظام و قانونمندی در هستی و جامعه بر پایه‌ی دو عنصر حق و عدل مسئولیت کیفری و مجازات‌ها را بر پایه‌ی مستحکم و معقولی توجیه می‌نماید.

استاد مطهری علم اخلاق را عبارت است از علم زیستن و چگونه باید زیستن می‌دانند یا بعبارت دیگر راه دست یابی به سعادت و یا نجات نفس می‌باشد. ریشه‌ی اخلاق با همین معنا که در متون مورد استفاده قرار گرفته را در بعضی آداب و رسوم جست و جو کرده‌اند و هم چنین در شیوه‌هایی که جامعه به مرور در روند تاریخ با آن خوگرفته و آنها را پذیرفته‌اند.

کشف معنای خوب و بد که مساله‌ی اساسی فلسفه‌ی اخلاق می‌باشد به چه راه برویم در تعریف آن نیز متفاوت خواهد بنابراین گاهی نگاه صرف جامعه‌شناسانه، اخلاق را به صرف رفتارهای پذیرفته شده‌ی اجتماعی و نفوذ یافته تقلیل می‌دهد به عبارت دیگر هر آنچه را که عموم می‌پسندد و عقاید عمومی مورد پذیرش قرار می‌دهد صرف از نظر از آرمان‌ها و اعتقادات مذهبی اخلاق می‌باشد (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۰).

در قوانین داخلی کیفری قانونگذار در فصل هجدهم در قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات در مواد ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۴۰ اشاره به جرایم اخلاقی یا به جرایمی اشاره دارد که در اخلاق عمومی را مدنظر قرار داده است. هر چند که نویسنده‌ای اشاره می‌کند که قانونگذار در این جرایم بیشتر مسائل شرعی را مدنظر قرار داده است به جای اینکه اخلاقیات را مدنظر قرار دهد.

بیشتر این جرایم زنان و خانواده تحت تاثیر قرار می‌دهند و به معنای اعم آن مشتمل بر جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی بنا و بقا خانواده را تهدید می‌نماید. چرا که افزایش این‌گونه جرایم اگر چه اجتماع را آزرده خاطر می‌نماید و جامعه نیروهای انتظامی و قضایی را نیز بجای

دروغگویی و غیبت کردن هر چند زشت و ناروا می‌باشند اما جرم بشمار نمی‌آیند (همان).

نظام حقوقی کیفری ایران بنا دارد از اخلاق حمایت بیشتری کند بررسی منابع روایی و فتوایی معتبر فقهای بزرگ امامیه نیز با تکیه بر قاعده‌ی مشهور «التعزیر لکل فعل محرم» براین امر نیز دلالت دارد. با همه این تکرر و تنوع آنچه نسبتاً مورد وفاق است ارزش‌ها و هنجارهایی است که حفظ و نگهداری آنها برای سعادت نوع بشر و زندگی انسانی او در دنیا ضرورت دارد.

مهم‌ترین هنجارهای پذیرفته شده‌ی هر جامعه را اخلاقیات تشکیل می‌دهند. جوامع نیز بویژه از نوع دینی اصولی شناخته شده دارند که معانی خوب و بد و درست و نادرست و وظایف اخلاقی و اجتماعی را که با فضیلت یا ردیلت شناخته می‌شوند را تعریف می‌کند از این رو پیدایش دولت‌ها بویژه نهادهای قضایی و کیفری را برای محافظت از همین چارچوب‌ها دانسته‌اند.

اگر معتقد باشیم که انسجامی آشکار در اهداف حقوق کیفری و اخلاق وجود دارد نهادهای کیفری به دنبال تحقق عدالت هستند و این خود مفهومی اخلاقی است و حقوقدانان معاصر مهم‌ترین وابستگی حقوق جزا به علوم انسانی را مربوط به علم اخلاق می‌دانند گاه رعایت نکردن مقررات اخلاقی واکنش خفیف اجتماعی را به همراه دارد که بطور معمول با نكوهش، سرزنش و توبیخ‌های اخلاقی خفیفی همچون بی‌اعتنایی همراه است اما اگر بدلیل اهمیت برخی از مقررات اخلاقی عکس‌العمل شدید باشد مجازات اقدامات تامینی پاسخگوی عمل ضد اخلاقی است که عنوان جرم می‌گیرد.

درباره مجازات‌ها می‌توان به اصل شخصی بودن شخص مجرم در تعیین مجازات‌ها اشاره کرد چرا که در واقع ارتباط محکمی با بحث نیت و رفتارهای غیر اخلاقی دارد و هر چند که برخی از حقوقدانان منکر عنصر روانی جرم هستند و به نوعی عناصر سه گانه تشکیل دهنده جرم را به دو عنصر مادی و قانونی تقسیم بندی می‌کنند و به مسئولیت کیفری مطلق نظیر جرایم مادی صرف معتقد هستند چرا که فرض بر آن است که در صورت اثبات وجود هر گونه نیت سود نیت باز هم مرتکب به مجازات مندرج در قانون محکوم می‌شود و پذیرش چنین رویکردی که علم، باور و قصد را جزء ارکان تشکیل دهنده مسئولیت دانسته است پذیرفتنی نمی‌دانند. لکن بدون تردید بررسی عنصر روانی مجرم در تعیین مجازات‌هایی که حدود نامعینی دارند اهمیت دارد. ولی درباره‌ی جرایم تعزیری و مجازات‌های بازدارنده در قانون مجازات اسلامی بی‌شک می‌توان نقش نیت اخلاقی و غیر اخلاقی را نیز در نظر گرفت (فلاحی، ۱۳۹۶، ص ۵۰).

نتیجه‌گیری

در مقاله زیر با بررسی منابع و موضوعات یافته‌های ذیل حاصل شده است:

۱- در بیشتر نظام‌های حقوقی مسئولین جزایی و اعمال مجازات مبتنی بر فرض قانونی مسئولیت است. یعنی قوانین جزایی کلیه‌ی افراد عاقل و بالغ و مختار را که در شرایط مرتکب جرم شوند را مسئول می‌داند.

۲- مبنای مسئولیت شهروندان را در جرایم اخلاقی می‌توان مبتنی بر این دانست که قانونگذار در اثبات جرایم

توجه به امنیت و نفوس مردم به مقوله‌ی اعراض و عفت عمومی سوق می‌دهند ولی بطریق اولی خانواده‌ها را نیز در رنج قرار می‌دهد. و از نتایج این جرایم: ساحت اخلاقی و روانی افراد جامعه را تهدید می‌کند و نیز خطر فروپاشی در اثر ارتکاب جرایم علیه عفت عمومی نیز بسیار است.

با توجه به نقشی که بزه دیده در ارتکاب جرم دارد واجد اهمیت است زیرا هر چند با وقوع جرم فرد یا افرادی متحمل زیان می‌گردند اما در بسیاری از موارد شخص بزه‌دیده در وقوع جرم به مستقیم یا غیر مستقیم دخالت می‌کند. بنابراین یکی از راه‌های حقوق کیفری به منظور پیشگیری از وقوع جرم، وارد کردن برخی از رفتارهای انحراف گونه به عنوان جرم است تا با قرار دادن مانعی در برابر ارتکاب جرم با جرایم دیگر است. لذا ورود ضمانت اجراهای کیفری به قلمرو انحرافات با هدف جلوگیری از ارتکاب جرایم دیگر باید در نظریات و اندیشه‌های مجازات‌گر بنام جست و جو کرد. این مداخله زود هنگام تحت عنوان جرایم مانع یا بازدارنده مطرح نموده است. جرائمی که در حقوق کیفری عمومی به عنوان جرایم حالت شناخته می‌شوند. این جرایم دارای سه خصیصه می‌باشند یا با ورود کیفری به حوزه‌ی به انحرافات سعی در جلوگیری از جرایم خطرناک دارند یا اینکه بر یکی از انگیزه‌های ارتکاب جرم از وقوع جرایم اصلی جلوگیری می‌کنند و یا با هدف جلوگیری از وقوع جرایم خطرناک علیه فردی است که خود آن رفتار منحرفانه ابتدایی را تحقق بخشیده است (نجفی ابرندآبادی، ۸۳-۸۲).

۳. منصورآبادی، عباس، کلیات حقوق جزا، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۹.
۴. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشریه طرح نو، تهران، ۱۳۸۳.
۵. حسین آبادی، علی، جرم‌شناسی اخلاقی، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۳.
۶. دلفانی، علی اشرف، مبانی مسئولیت کیفری در حقوق ایران و فرانسه، نشر بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۲.
۷. فلاحی، یوسف، (وظایف و اختیارات پلیس در جرایم اخلاقی ویژه‌ی زنان و کودکان)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، ۱۳۹۶.
۸. محمودی، مرتضی؛ بابایی، محمد علی، (مبانی جرم انگاری عدم رعایت حجاب شرعی در حقوق کیفری ایران)، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۱۱، شماره یک، ۱۳۹۹.
۹. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ سوم، نشر میزان، تهران، ۱۴۰۱.
۱۰. هاشمی و همکاران، (تأثیر جرم انگاری و جرم زدایی در نظام حقوق کیفری اسلامی ایران)، فصلنامه حقوق کیفری، دوره سوم، شماره هشت پیاپی، ۱۳۹۳.

تعزیری به دو عنصر قانونی و مادی توجه می‌نماید. بطور مثال در جرمی مانند توهین مقنن با پذیرش مسئولیت مطلق مقام تعقیب را از اثبات این عنصر روانی معاف می‌دارد و افزون بر آن در اینگونه جرایم می‌توان در صورت اثبات وجود هر گونه سوء نیت فرد را مسئول شناخت.

۳- قانونگذار در برخی از موارد مانند جرایم ماده ۶۳۷ و تبصره م ۶۳۷ به موارد دینی و شرعی و هم‌چنین فرهنگی و به مبنای روانی و بزه‌دیده شناختی افراد خصوصاً زنان توجه می‌نماید صرف انجام چنین رفتارهایی دارای مسئولیت می‌داند.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

۱. اردبیلی، محمد علی، کلیات حقوق جزای عمومی، جلد اول، نشر میزان، تهران، ۱۴۰۰.
۲. برهانی، محسن، اخلاق و حقوق کیفری، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، تهران، ۱۳۹۴.